

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: فینیان کانینگهام  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۰ دسمبر ۲۰۱۶

## عمو سام و باجگیری به شیوه پدر خوانده در شبه جزیره کوریا



بهترین راه برای درک ظاهرآ تکرار بی پروای خطر جنگ هسته نی در شبه جزیره کوریا این ست: منطقه آسیای شرقی با یک محافظ باجگیر مافیائی اداره می شود و این جنایت کار مافیا امریکا ست. این درگیری ناشی از واشنگتن و به وسیله واشنگتن تداوم دارد. چرا؟ برای توجیه آن چیزی که در غیر این صورت به آسانی نظامی گری ظالمانه امریکا در نیمکره آسیا پاسیفیک دیده شود، و به ویژه یک دستور کار تهاجمی جنایت کارانه به سوی اهداف اصلی ژئوپولیتیک واشنگتن – چین و روسیه. درگیری کوریا در درجه اول درباره «دشمنی دولت های» شمال و جنوب نیست. واشنگتن پس از پایان جنگ جهانی دوم، جنایت کارانه با استفاده از نیروهای نظامی، سلطه خود را بر صحنه جهانی تحمیل کرد و این به همان گونه ای است، که در ۶۸ سال گذشته (۷۱ سال – م) بوده است. ارتش امریکا وسایل نقلیه زرهی جنگی را در سال ۲۰۱۵ دریافت نمود تا با تلاش مداوم جهت تقویت آمادگی در سراسر شبه جزیره کوریا به روز رسانی شود.



(تصویر: ارتش امریکا/برایان ویلیس)

اما شما با خواندن گاه به گاه رسانه های خبری غربی به حقیقت نمی رسید. نخیر. بارها به ما گفته اند که امریکا از کوریای جنوبی و دیگر متحدان آسیائی خود «حفاظت» می کند. حضور نظامی امریکا به عنوان «بازدارنده ای» برای جلوگیری از تجاوز کوریای شمالی «شیطانی»، «خدمت» می کند. در این ترسیم، امریکا آدم خوبه است، در حالی که کوریای شمالی تهدیدی خبیث و معضلی برای رفاه و امنیت همگان است. کیم جونگ اون تجسم محور شرارت است. این به اصطلاح رسانه های خبری «با کیفیت» مانند بی بی سی، نیویورک تایمز و گاردین واقعاً می توانند با جعل این وضعیت در به تصویر کشیدن امریکا به عنوان یک نیروی خیرخواه، شاهکاری عجیب و غریب از وارونگی واقعیت و کنترل ذهنی شست و شوی مغزی ارائه دهند. طنز این ست که چنین رسانه هائی به طور ضمنی کوریای شمالی را به گونه ای جلوه می دهند، که در آن جا تفکر انتقادی و ابراز عقیده ممنوع است و مانند یک دولت «برادر بزرگ» استالینیستی مسخره کنند. با این حال، این رسانه ها همان عادت انطباق ذهنی را نمایش می دهند که خودشان کوریای شمالی را با آن بی اعتبار می سازند.

همان گونه که در بالا ذکر شد، تنها راه درست تفسیر تهدید و ضد تهدید هفته های اخیر جهت جنگ تمام عیار در کوریا آن ست که صحنه هائی از فلم مافیائی کلاسیک پدر خوانده را به یاد بیاوریم. شما می دانید که چه می شود. گانگستر به محله های اطراف می رود و «در ازای حفاظت» خواستار وفاداری، احترام و باج است. اگر ساکنان از باج دادن پیروی نکنند، بعد از آن ارباب ترتیب انجام باران خشونت خودشوکوفا را بر روی آنها می دهد که جرأت کرده اند «حفاظت» سخاوت مندانه او را رد کنند.

در کوریا تحت قیمومت امریکا درست همین مقررات اعمال می گردد. شبه جزیره کوریا به طور یک جانبه در سال ۱۹۴۵ توسط واشنگتن به کشورهای شمال و جنوب تقسیم شد، برای این که امریکا نمی توانست این واقعیت را بپذیرد که جمعیت کوریا در آن زمان به شدت ضدامپریالیست و خواهان دمکراسی سوسیالیستی بود. این احساس برابری طلبی به کوریائی ها کمک کرد تا در برابر امپریالیست های اشغالگر جاپانی قبل و در طول جنگ جهانی دوم مقاومت کنند. طبق اطلاعات به دست آمده و مؤثر، امریکا برای اثبات سلطه خود بر کوریا و آسیا پاسیفیک، با پشتکاری قابل ملاحظه ای در مجاورت کار کرد تا آن جنبش مردمی را که مردم کوریا شجاعانه جهت استقلال و دمکراسی به نمایش گذاشتند، به شکست بکشاند. واشنگتن با نصب همکاران طرفدار جاپان به عنوان حاکمان تازه تأسیس کوریای جنوبی موفق به انجام این سلطه خود بر کوریا و آسیا پاسیفیک شد. درباره آن فکر کنید. امریکا در جنگی شرکت کرد که بنا به گفته ای فاشیسم و امپریالیسم را شکست دهد، که تنها بلافاصله با همان نیروهای سیاسی جهت شکست دمکراسی کوریا تباری کند.

انداختن بمب توسط واشنگتن بر روی شهرهای هیروشیما و ناگاساکی تنها جزئی از کل تلاش های امریکا جهت برقراری سلطه پسا جنگ در آسیا پاسیفیک در برابر اتحاد جماهیر شوروی و چین بود - و به این دلیل کوریا نیز به دو کشور بیگانه تقسیم شد که بعد به ناگهان بین سال های ۱۹۵۳-۱۹۵۰ جنگ کردند.

جنگی که در آن یک سوم جمعیت کوریای شمالی با بمباران های بی رویه منطقه ئی و بمب های آتش زای ناپالم امریکا به کلی نابود شد و هرگز به طور رسمی پایان نیافت. متارکه جنگ که تحت دیکته واشنگتن در سال ۱۹۵۳ امضاء شده است، از نظر فنی تنها یک آتش بس است. برای چندین دهه، تقاضای کوریای شمالی برای یک پیمان صلح کامل بارها توسط واشنگتن و کشور دست نشانده کوریای جنوبی رد شده است. به عبارت دیگر، واشنگتن حق امتیاز ضمنی خود جهت بمباران هوائی مردم کوریای شمالی را در هر زمانی که اراده کند، حفظ کرده است. و این به منزله یک تهدید همیشگی و یا یک سیاست تروریسم دولتی توسط واشنگتن است.

تهدید امریکا نسبت به مردم کوریا نه تنها قطع نشده است، بلکه احتمال بمباران هسته‌ئی نیز وجود دارد. در طول جنگ کوریا، نیروی هوایی امریکا به طور منظم با جنگنده بمب افکن های ب - ۵۲ با قابلیت حمل بمب های هسته‌ئی بر روی شبه جزیره کوریا پرواز می کردند. مردم روی زمین می توانستند هواپیماها را تشخیص دهند، اما نمی دانستند که نیت عملیاتی چه بود. آیا می توانید تروریسم این پروازها را تصور کنید؟ - به سختی پس از پنج سال از بمباران هسته‌ئی و نابودی جمعیت هیروشیما و ناگاساکی توسط امریکا می گذشت، و در همان زمان ارتش امریکا کوریائی ها را مجبور کرده بود تا به عنوان تنها راه فرار از کشتار جمعی توسط بمباران های معمولی در غارها زندگی کنند .

با این حال، ارگان های تبلیغاتی غربی، بی شرمانه چیزی را اخبار می گویند که تروریسم دولتی امریکا را به عنوان «حفاظت» ترسیم می کند.

نیویورک تایمز، برای مثال، از یک به اصطلاح «کارشناس» نقل کرد در حالی که پاسخ کوریای شمالی را نسبت به آخرین تحریک امریکا توضیح می داد، گفت: «توده مردم کوریای شمالی باید به طور منظم یادآوری شوند که کشور آنها با دشمنان توطئه گر احاطه شده است. در غیر این صورت، آنها ممکن است شروع به پرسیدن سوالات خطرناک سیاسی بکنند.»

آنچه خنده آور ست تفکر این متخصص شست و شوی مغزی و نیویورک تایمز است که آن را ترویج می کند، و این که کوریای (شمالی) در واقع توسط دشمن توطئه گر امریکا احاطه شده است - و چنانچه مردم جهان و رسانه ها درباره این حقیقت بیندیشند، «سوالات خطرناک سیاسی» پرسیده می شود، مانند: چه کسی به امریکا حق می دهد که برای شش دهه در درون و خارج شبه جزیره کوریا «مانور های نظامی» راه بیندازد و سلاح های نابود کننده هسته‌ئی مستقر سازد؟

مردم کوریا، شمال و جنوب، خواستار صلح و شایسته آن هستند. علی رغم ضدیت و جنگ طلبی مشخص شده در رسانه های تبلیغاتی غربی، اکثریت قریب به اتفاق مردم کوریای شمالی و جنوبی در واقع هیچ اشتیاقی برای جنگ ندارند. برای دهه ها جنگ تحمیلی بر سرزمین مادری آنها از خارج کنترل می شود، اما رضایت و موافقت عمومی در میان کوریائی های عادی صلح و یک راه حل دمکراتیک است. ولی تا زمانی که واشنگتن به «باج گیری برای حفاظت» خود ادامه می دهد، آنها نمی توانند این شرایط مناسب را به دست بیاورند.

و، متأسفانه، دولت امریکا نمی خواهد، و نمی تواند رفتار جنایتکارانه خود را متوقف سازد - به این دلیل که فرمانروائی، تجاوز و تروریسم نشانه های رژیم مافیائی واشنگتن هستند.

**درباره نویسنده:**



فینیان کانینگهام، در اصل اهل بلفاست، و ایرلندی ست که در سال ۱۹۶۳ متولد شده است. او کارشناس برجسته در امور بین المللی ست. نویسنده و منتقد رسانه‌ئی که به خاطر انتقاد روزنامه نگاری خود در افشای نقض حقوق بشر

توسط رژیم مورد حمایت غرب در جون سال ۲۰۱۱ از بحرین اخراج شد. او فارغ التحصیل کارشناسی ارشد در  
کیمیای کشاورزی ست و قبل از آن که حرفه روزنامه نگاری را دنبال کند، به عنوان یک ویرایشگر علمی برای انجمن  
سلطنتی کیمیای کامبریج، در انگلستان کار می کرد. او همچنین خواننده است و اشعار مردمی نیز می سراید.

**برگردانده شده از:**

گاردین، ارگان حزب کمونیست استرالیا، شماره ۱۷۶۰، صفحه ۹، ۷ دسمبر ۲۰۱۶.

**US protection racket root of Korea conflict**

Finian Cunningham

<http://www.cpa.org.au/guardian/2016/1760/14-us-protection-racket.html>